

مقاله پژوهشی

اصیل

Original

Article

بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و سلامت روان در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی

فرزانه معتمدی شارک*، دکتر غلامعلی افروز**

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه سبک‌های اسنادی و سلامت روانی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی و همچنین بررسی روابط موجود میان این متغیرها انجام شده است.

روش: این بررسی به روش توصیفی- پس‌رویدادی انجام شد و آزمودنی‌های پژوهش ۶۰ دانش‌آموز تیزهوش (۳۰ دختر و ۳۰ پسر که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند) و ۶۰ دانش‌آموز عادی (۳۰ دختر و ۳۰ پسر که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب گردیدند) بودند. برای گردآوری داده‌ها آزمون هوش ریون، پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی (ASQ) و پرسش‌نامه سلامت عمومی (GHQ) به‌کار برده شد. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون، تحلیل واریانس چندمتغیره و تک‌متغیره و آزمون بهره گرفته شد.

یافته‌ها: این بررسی نشان داد که سبک اسنادی درونی- بیرونی در پسران تیزهوش توانایی پیش‌بینی سلامت روان را دارد. دو گروه دختر و پسر در سبک اسنادی درونی- بیرونی و سبک اسنادی کلی و جزئی موقعیت‌های ناخوشایند، و دو گروه عادی و تیزهوش در سبک اسنادی کلی و جزئی موقعیت‌های ناخوشایند تفاوت معنی‌داری داشتند. در بررسی سلامت روان میان دو گروه عادی و تیزهوش در مؤلفه نارساکنش‌وری اجتماعی تفاوت معنی‌داری به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: دانش‌آموزان تیزهوش در موقعیت‌های شکست، سبک اسناد کلی و دانش‌آموزان دختر در هنگام شکست، سبک اسناد بیرونی و جزئی داشتند. دانش‌آموزان تیزهوش دارای نارساکنش‌وری اجتماعی بیشتری نسبت به دانش‌آموزان عادی هستند.

کلیدواژه: سبک‌های اسنادی، سلامت روانی، دانش‌آموزان، تیزهوش

مقدمه

تبیین افراد و رویدادهای تنش‌زاست که می‌توانند نقش مهمی در سلامت روانی داشته باشند (تری^۱، ۱۹۹۴). در زنجیره اسناد می‌توان سه مرحله را تشخیص داد که عبارتند از: ۱- می‌پرسیم چرا؟ ۲- نوعی اسناد مطرح می‌سازیم. ۳- رفتار ما به نوع اسناد

واکنش اشخاص از موقعیت‌ها متأثر از برداشت‌ها و ارزیابی شناختی آنها از آن موقعیت‌هاست. از این رو نظریه‌ای که در دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته سبک یا شیوه‌های

* کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. تهران، پل گیشا، خیابان نسیم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
دورنگار: ۰۲۱-۵۵۲۷۶۰۱۱ (نویسنده مسئول).

** دکترای تخصصی روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. استاد دانشگاه تهران.

بستگی پیدا می کند (میلر^۱، بریکمن^۲ و بولن^۳، ۱۹۷۵).

هدف نظریه اسناد از دیدگاه بنیان گذاران آن بررسی چگونگی انجام تبیین های علی به وسیله مردم و چگونگی پاسخ مردم به پرسش هایی است که با چرا آغاز می شوند. نظریه اسناد فرآیندهای تبیین رویدادها و پیامدهای عاطفی و رفتاری ناشی از این تبیین ها را بیان می کند (راتمن^۴، سالوورگ^۵، توروی^۶ و فیشکین^۷، ۱۹۹۳). سلیگمن^۸ از پیشگامان کاربرد سبک اسنادی در بهداشت روانی به ویژه افسردگی است که در زمینه رابطه سبک اسنادی و افسردگی دو مقوله را مطرح می سازد: ۱- سبک اسناد بدبینانه^۹ یعنی اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی، که افسردگی را در پی دارد. ۲- سبک اسناد خوش بینانه^{۱۰} که عبارت است از اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی؛ این سبک اسناد زمینه ساز شادمانی است (فینچام^{۱۱} و برادپوری^{۱۲}، ۱۹۹۳). پیترسون^{۱۳} و سلیگمن (۱۹۸۴) دریافته اند که افراد پیوسته علت های مشخصی را برای رویدادهای خوب و بد که گاهی این اسنادها ناسازگارانه است، برمی گزینند. به بیان دیگر اسناد رویدادهای منفی به علل درونی، با ثبات و کلی و اسناد رویدادهای مثبت به علل بیرونی، بدون ثبات و اختصاصی، نوعی شیوه اسنادی ناسازگارانه است و همین اسنادهای ناسازگارانه و یا به بیان دیگر اسنادهای بدبینانه است که با مشکلات روانشناختی و بدنی همراه است. آبرامسون^{۱۴}، سلیگمن و تیزدل^{۱۵} (۱۹۷۸) بر پایه نظریه درماندگی آموخته شده^{۱۶} سبک تبیین افراد از رویدادها را بررسی نموده و دریافته اند که گروهی علت رویدادها را به خود و گروهی به شرایط، موقعیت ها و سایر افراد (سبک تبیین درونی در مقابل بیرونی) نسبت می دهند. از سویی این رویدادها را در تمام زندگی خود مؤثر می دانند یا محدود به همان موقعیت در نظر می گیرند (سبک تبیین کلی در برابر اختصاصی). آبل^{۱۷} و زاچاری^{۱۸} (۱۹۹۹) در بررسی های خود پیرامون افسردگی دریافته اند که کودکان افسرده بیشتر گرایش به ۱- نسبت دادن رویدادهای منفی به علل پایدار و کلی، ۲- فاجعه آمیز دانستن پیامدهای رخدادها منفی و ۳- داشتن احساس پریشانی و آشفتگی پس از رخداد بک رویداد منفی دارند. دوا^{۱۹} (۱۹۹۴) نیز ارزش پیش بینی کنندگی سبک اسناد و عواطف منفی را در پیش بینی سلامتی جسمانی و هیجانی بررسی نمود و دریافت که عواطف اهمیت زیادی در پیش بینی سلامت افراد دارند. هم چنین اسنادهای کلی برای رویدادهای منفی و شیوه اسنادی به طور کامل، برای رویدادهای منفی بهترین پیش بینی کننده بهداشت روانی و جسمانی افراد بودند. شوارتز^{۲۰}، کاسلو^{۲۱}، سیلی^{۲۲} و لوینسوهن^{۲۳} (۲۰۰۰) در بررسی ۸۴۱ نوجوان دریافته اند

که نوع سبک اسناد با متغیرهای مرتبط با افسردگی (مانند احتمال خودکشی و کارکرد شناختی) در ارتباط می باشد. هم چنین این پژوهشگران نشان دادند که تغییر در سبک اسناد می تواند علایم روانشناختی آزمودنی ها را نیز تغییر دهد.

نوری قاسم آبادی (۱۳۷۲) در بررسی دانشجویان پسر نشان داد که افراد ناموفق به دنبال استرس شکست تحصیلی، افسردگی بیشتری تجربه می کنند و سبک اسناد درونی، کلی و پایدار در رویدادهای منفی با افسردگی رابطه دارد. شیرازی (۱۳۷۸) به بررسی شیوه های مقابله با تنش روانی و ارتباط آن با اسنادهای علی و سلامت روان در دانش آموزان تیزهوش و عادی شهرستان زاهدان پرداخت و رابطه معنی داری بین شیوه های مقابله و منبع کنترل دانش آموزان تیزهوش به دست نیاورد. با این حال، این رابطه در دانش آموزان عادی دیده شد و در دانش آموزان تیزهوش و عادی رابطه معنی داری بین شیوه های مقابله و سبک های اسنادی وجود داشت.

سلیمانی نژاد (۱۳۸۱) نیز در بررسی رابطه سبک اسناد با پیشرفت تحصیلی در دختران و پسران سال سوم دبیرستان نشان داد که ابعاد سه گانه اسناد بین دختران و پسران در موقعیت های شکست و موفقیت تفاوت معنی داری ندارند. هم چنین در رابطه بین ابعاد سه گانه اسناد و پیشرفت تحصیلی نشان داد که به جز بعد درونی و بیرونی، در موقعیت شکست بقیه ابعاد با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری ندارند.

با توجه به این که در ایران در زمینه مؤلفه های اسنادی و سلامت روان بررسی های محدودی انجام شده است. دستیابی به اطلاعاتی در این زمینه می تواند راهبردهای مهمی برای مراکز آموزشی، پژوهشی و درمانی به همراه داشته باشد. هم چنین با تأکید بر اهمیت عوامل درونی قابل کنترل به عنوان عوامل اصلی موفقیت، آموزگاران می توانند انتظار موفقیت دانش آموزان را افزایش دهند.

سلیگمن (۱۹۷۵) تنش های روانی دوران کودکی همانند از دست دادن والدین را در شیوه تبیین فرد از رویدادهای

- | | |
|----------------|--------------------------|
| 1- Miller | 2- Brickman |
| 3- Bolen | 4- Rothman |
| 5- Salvoverg | 6- Turvey |
| 7- Fishkin | 8- Seligman |
| 9- pessimistic | 10- optimistic |
| 11- Fincham | 12- Bradury |
| 13- Peterson | 14- Abramson |
| 15- Teasdale | 16- learned helplessness |
| 17- Abela | 18- Zachary |
| 19- Dua | 20- Schwartz |
| 21- Kaslow | 22- Seeley |
| 23- Lewinsohn | |

۸۳-۱۳۸۲ ثبت نام کرده بودند. دانش‌آموزان تیزهوش ۴۳۷ نفر (۲۱۲ دختر و ۲۲۵ پسر) و دانش‌آموزان عادی ۱۷۴۶۹۴ نفر (۸۲۴۶۷ دختر و ۹۲۲۲۷ پسر) بودند. برآورد حجم نمونه بر اساس جامعه متناهی با بهره‌گیری از فرمول کوکران برای جامعه دانش‌آموزان تیزهوش برابر با ۶۰ نفر بود. این افراد از میان دانش‌آموزانی که دارای بهره هوشی بالای ۱۳۰ بودند از دبیرستان‌های استعداد‌های درخشان به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برآورد حجم نمونه بر اساس جامعه نامتناهی برای جامعه دانش‌آموزان عادی نیز به کمک فرمول کوکران برابر با ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان دبیرستان‌های عادی شهر تهران انتخاب شدند. با این هدف از میان مناطق دوازده‌گانه شهر تهران، منطقه‌های شش و یازده انتخاب و از هر منطقه یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی گزینش و در هر دبیرستان یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و همه دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب شده، بررسی شدند. اجرای آزمون هوش ریون نشان داد که بهره هوشی این دانش‌آموزان بین ۹۵ تا ۱۱۵ بوده است.

گردآوری داده‌ها به کمک آزمون‌های زیر انجام شد:

آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون^۱: این آزمون یکی از آزمون‌های غیرکلامی هوش عمومی است که در سال ۱۹۳۸ به وسیله ریون^۲ روانشناس انگلیسی منتشر شد. فرم رنگی و ساده‌تر این آزمون برای کودکان ۱۱-۵ ساله و بزرگسالان عقب‌مانده ذهنی و فرم پیشرفته‌تر آن برای بزرگسالان در نظر گرفته شده است (براهنی، ۱۳۵۶). این آزمون که ۶۰ پرسش تصویری دارد و از پنج گروه ۱۲ تایی (A تا E) تشکیل شده، برای اندازه‌گیری عامل عمومی اسپیرمن^۳ ساخته شده است. بارکه^۴ (۱۹۷۲)، به نقل از مقیمی‌آذر، (۱۳۷۷) ضرایب ثبات درونی^{۱۰} آزمون ریون را با ۵۰۰ آزمودنی بزرگسال در سنین مختلف در آمریکا بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۷ گزارش کرده است.

استینسن (۱۹۵۶)، به نقل از مقیمی‌آذر، (۱۳۷۷) پایایی آزمون ریون را به روش بازآزمایی پس از یک هفته، یک ماه و سه ماه به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۱ و ۰/۷۸ گزارش نمود. هم‌چنین در هنجاریابی این آزمون توسط براهنی (۱۳۵۶) بر روی ۳۰۱۰

بعدی و در نتیجه آمادگی او برای ابتلا به افسردگی مؤثر دانست. مراکز روان‌درمانگری نیز می‌توانند با شناسایی و تشخیص موارد آسیب‌پذیر در پیش‌گیری از اختلال‌های روانی نوجوانان مؤثر باشند. از سوی دیگر سال‌ها کارشناسان آموزشی بر این تصور بوده‌اند و چه بسا بسیاری هنوز بر این باورند که کودکان تیزهوش و مستعد، که در دسر کمتری برای آنها دارند، آنها را به حال خودشان می‌گذارند و بیشتر نیروی خود را برای آموزش سایر شاگردان کلاس صرف می‌کنند (فتیحی‌آشتیانی، ۱۳۷۴).

روشن است که آگاه نبودن نسبت به ویژگی‌های شخصیتی این دانش‌آموزان که از توانایی‌های ویژه‌ای برخوردارند، مانع شکوفایی توانمندی‌ها و استعداد‌های آنها خواهد شد و این می‌تواند زمینه را برای ابتلای آنها به اختلال‌های جسمی و روانی از جمله افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و کناره‌گیری آماده کند.

نیدلز^۱ و آبرامسون (۱۹۹۰)، به نقل از ولز^۲، هافل^۳، جونیرجر^۴ و واگنر^۵ (۲۰۰۳) در بررسی دانشجویان دانشگاه که سطح متوسط تا شدید نشانگان افسردگی را نشان داده بودند، دریافتند که افزایش رویدادهای مثبت زندگی، افزایش سبک اسنادی پایدار و کلی برای حوادث مثبت را در پی دارد و این تغییر موجب افزایش امیدواری و کاهش نشانه‌های افسردگی می‌شود.

هدف این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و سلامت روان در میان دانش‌آموزان تیزهوش و عادی و پاسخ به این پرسش‌ها بوده است: ۱- سهم هر یک از سبک‌های اسنادی (کلی- جزئی، پایدار- ناپایدار، درونی- بیرونی) در پیش‌بینی سلامت روان تا چه میزان می‌باشد؟ ۲- آیا دو گروه عادی و تیزهوش تفاوتی در سبک‌های اسنادی با یکدیگر دارند؟ ۳- آیا دو گروه دختر و پسر تفاوتی در سبک‌های اسنادی با یکدیگر دارند؟ ۴- آیا دو گروه عادی و تیزهوش تفاوتی در مؤلفه‌های سلامت روانی (علایم روان‌تنی، اضطراب، نارساکنش‌وری اجتماعی و افسردگی) با یکدیگر دارند؟

روش

پژوهش حاضر پس رویدادی (علی- مقایسه‌ای) است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان سال اول متوسطه تیزهوش و عادی دختر و پسر شهر تهران بودند که در سال تحصیلی

1- Needles 2- Voelz
3- Haeffel 4- Joiner
5- Wagner
6- Raven's Progressive Matrices Test
7- Raven 8- Spearman
9- Burke 10- internal consistency

نفر در سطح شهر تهران پایایی ۰/۸۹ تا ۰/۹۵ و دامنه روایی بین ۰/۲۴ تا ۰/۶۱ گزارش گردیده است. در این آزمون شمار پاسخ‌های درست آزمودنی محاسبه می‌شود و سپس بر پایه نمره‌های ترازشده بهره هوشی به دست می‌آید که نمره پایین‌تر از ۷۰ یا دو انحراف معیار پایین‌تر از میانگین نشان‌گر عقب‌ماندگی ذهنی، نمره ۹۰-۱۱۰ نشانگر بهره هوشی متوسط و نمره بالاتر از ۱۳۰ یا دو انحراف معیار بالاتر از میانگین نشانگر با هوش بودن آزمودنی است.

پرسش‌نامه سلامت عمومی-۲۸ (GHQ-28): این

پرسش‌نامه یک پرسش‌نامه سرنندی مبتنی بر روش خودگزارش‌دهی است که در مجموعه‌های بالینی با هدف ردیابی کسانی که دارای اختلال روانی هستند، به کار برده می‌شود (گلدبرگ^۲، ۱۹۷۲، به نقل از دادستان، ۱۳۷۷). این پرسش‌نامه ممکن است برای نوجوانان و بزرگسالان در هر سنی و به منظور کشف ناتوانی در عملکردهای بهنجار و وجود رویدادهای آشفتنه‌کننده در زندگی به کار گرفته شود (گلدبرگ و ویلامز^۳، ۱۹۸۸، به نقل از تقوی، ۱۳۸۰). هدف این پرسش‌نامه دستیابی به یک تشخیص معین از بیماری‌های روانی نیست بلکه منظور آن تمایز میان بیماری روانی و سلامت است و برای همه افراد جامعه طراحی شده است. این پرسش‌نامه در بررسی‌های زمینه‌یابی در کل جامعه و گروه‌های ویژه و در بررسی‌های مقایسه‌ای بیماری‌های روانی در یک جمعیت در زمان‌های متفاوت به کار برده می‌شود (کاوایانی، موسوی و محیط، ۱۳۸۰). این پرسش‌نامه دارای چهار زیرمقیاس است: زیرمقیاس اول (A) دربردارندهٔ موادی درباره احساس افراد نسبت به وضع سلامت خود و احساس خستگی آنهاست و نشانه‌های بدنی را دربرمی‌گیرد. این زیرمقیاس دریافت‌های حسی بدنی را که اغلب با برانگیختگی‌های هیجانی همراهند، ارزشیابی می‌کند. زیرمقیاس دوم (B) درباره اضطراب و بی‌خوابی است. زیرمقیاس سوم (C) دامنه توانایی افراد را در رویارویی با خواسته‌های حرفه‌ای و مسایل زندگی روزمره می‌سنجد و احساسات آنها را دربارهٔ چگونگی کنار آمدن با چالش‌های زندگی آشکار می‌کند. چهارمین زیرمقیاس (D) با افسردگی شدید و گرایش مشخص به خودکشی ارتباط دارد. به هر پاسخ نمره صفر تا سه تعلق می‌گیرد. نمره‌های بین ۱۴ تا ۲۱ در هر زیرمقیاس وخامت وضع آزمودنی را در آن عامل نشان می‌دهد. به باور گلدبرگ (۱۹۸۹، به نقل از بهرامی، ۱۳۷۸)

مناسب‌ترین روش ارزشیابی بررسی ثبات درونی به روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ است. او با بازبینی پژوهش‌های انجام‌شده به روش بازآزمایی و نیز محاسبه ضریب آلفای کرونباخ پایایی را بالا گزارش کرده است. چونگ^۴ و اسپیرز^۵ (۱۹۹۴) در بررسی ۲۲۳ نفر از افراد بزرگسال پایایی فرم ۲۸ سؤالی پرسش‌نامه سلامت عمومی به روش بازآزمایی را برای کل آزمون برابر ۰/۵۵، برای مقیاس‌های نشانه‌های مرضی جسمانی ۰/۴۴، اضطراب ۰/۴۶، نارساکنش‌وری اجتماعی ۰/۴۲ و افسردگی ۰/۴۷ گزارش نمودند. تقوی (۱۳۸۰) پایایی این پرسش‌نامه را به روش بازآزمایی، دونیمه‌کردن و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ گزارش نموده است. هم‌چنین بررسی اعتبار این پرسش‌نامه به روش اعتبار هم‌زمان با پرسش‌نامه بیمارستان میدلسکس (MHQ)^۶ ضریب همبستگی ۰/۵۵ و ضرایب همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه با نمره کل بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ در نوسان بوده است (تقوی، ۱۳۸۰).

پرسش‌نامه سبک اسنادی^۷ (ASQ): این پرسش‌نامه یک

ابزار خودگزارش‌دهی است و نخستین بار برای اندازه‌گیری اسنادهای افراد برای رویدادهای غیرقابل کنترل توسط پیترسون و سلیگمن (۱۹۸۴) ساخته شد. پرسش‌نامه سبک اسنادی دربرگیرنده دوازده موقعیت فرضی (شش رویداد خوب و شش رویداد بد) است. برای هر رویداد چهار پرسش مطرح شده است. نخستین پرسش که درباره مهم‌ترین علت این رویداد است، اگرچه در نمره‌گذاری به کار برده نمی‌شود اما ضروری است تا آزمودنی به سه پرسش بعد بر حسب موارد زیر پاسخ دهد. این موارد شامل درونی یا بیرونی، پایدار (بائبات) یا ناپایدار (بی‌ثبات) و کلی یا اختصاصی بودن رویداد می‌باشد. نمره‌ها را می‌توان برای هر یک از سه بعد یادشده در نظر گرفت، برای نمونه بعد درونی-بیرونی از مجموع نمره‌های پرسش اول به دست می‌آید. اگر فردی در موقعیت‌های موفقیت و پرسش اول نمره‌های ۴، ۵، ۳، ۲، ۴ و ۶ را علامت زده باشد، نمره بعد درونی-بیرونی این فرد در موقعیت موفقیت مجموع این اعداد تقسیم بر شش می‌باشد ($\frac{24}{6} = 4$). به همین ترتیب در ابعاد دیگر و موقعیت شکست،

1- General Health Questionnaire-28

2- Goldberg 3- Williams

4- Cheung 5- Spears

6- Middlesex Hospital Questionnaire

7- Attribution Style Questionnaire

(سلامت روان) به روش متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های اسنادی) برابر ۱۹/۱۸ درصد نشان داد. مقدار ضریب همبستگی سبک‌های اسنادی کلی - جزئی و پایدار - ناپایدار معنی‌دار نبود. هم‌چنین تحلیل واریانس تأثیر سبک‌های اسنادی را بر سلامت روانی دارای تفاوت معنی‌دار نشان داد ($p < 0/05$, $F=6/40$, $df=3365/7$).

جدول ۱- مقایسه سبک اسنادی بین گروه‌های عادی ($n=60$) و تیزهوش ($n=60$) در پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی

نتایج آزمون t برای همگنی میانگین‌ها		
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t
N.S.	۱۱۸	-۰/۵۳۳ (بیرونی - خوشایند)
N.S.	۱۱۸	-۰/۹۹۶ (پایدار- ناپایدار خوشایند)
N.S.	۱۱۸	-۱/۱۸۴ (کلی - جزئی خوشایند)
N.S.	۱۱۸	-۰/۷۶۱ (بیرونی - ناخوشایند)
N.S.	۱۱۸	۱/۵۵۹ (پایدار- ناپایدار ناخوشایند)
۰/۰۵	۱۱۸	۲/۳۸۵ (کلی - جزئی ناخوشایند)

نمره‌ها محاسبه می‌شوند. بریج^۱ (۲۰۰۱) برای پرسش‌نامه سبک اسنادی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸ را گزارش نموده است. اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) طی پژوهشی با این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ را برای موقعیت شکست درونی ۰/۷۵، موقعیت شکست پایدار ۰/۴۳، موقعیت شکست کلی ۰/۷۳ و در موقعیت موفقیت درونی ۰/۷۴، موقعیت موفقیت پایدار ۰/۵۶ و موقعیت موفقیت کلی ۰/۷۶ به‌دست آورد. سلیمانی نژاد (۱۳۸۱) آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌های پرسش‌نامه را ۰/۷۴ گزارش کرد.

برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون، تحلیل واریانس و آزمون t بهره گرفته شد. هدف از تحلیل واریانس در رگرسیون آن بود که روشن شود آیا متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های اسنادی) توانایی پیش‌بینی متغیر ملاک (سلامت روانی) را دارند؟

یافته‌ها

این بررسی مقدار ضریب همبستگی سبک اسنادی درونی - بیرونی با سلامت روانی در پسران تیزهوش را برابر با ۰/۴۳۸ و میزان R^2 یعنی میزان تبیین‌کنندگی متغیر ملاک

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس اثرات بین‌موردی جنسیت در دانش‌آموزان تیزهوش ($n=60$) و عادی ($n=60$) و تعامل این دو به کمک پرسش‌نامه سبک اسنادی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
جنسیت					
بیرونی - خوشایند	۰/۳۰۰	۱	۰/۳۰۰	۲/۶۱	N.S.
پایدار - ناپایدار خوشایند	۳/۴۸	۱	۳/۴۸	۱/۰۳	N.S.
کلی - جزئی خوشایند	۰/۳۲۱	۱	۰/۳۲۱	۳/۵۲	N.S.
بیرونی - ناخوشایند	۲/۳۷	۱	۲/۳۷	۱۱/۱۱	۰/۰۰۱
پایدار - ناپایدار ناخوشایند	۰/۴۵	۱	۰/۴۵	۱/۸۷	N.S.
کلی - جزئی ناخوشایند	۱/۱۵	۱	۱/۱۵	۵/۲۶	۰/۰۵
وضعیت ذهنی					
بیرونی - خوشایند	۲/۲۰	۱	۲/۲۰	۰/۱۹۲	N.S.
پایدار - ناپایدار خوشایند	۳/۰۲	۱	۳/۰۲	۰/۸۹۸	N.S.
کلی - جزئی خوشایند	۰/۱۱۲	۱	۰/۱۱۲	۱/۲۲	N.S.
بیرونی - ناخوشایند	۰/۱۴۳	۱	۰/۱۴۳	۰/۶۶	N.S.
پایدار - ناپایدار ناخوشایند	۰/۴۵	۱	۰/۴۵	۱/۸۷	N.S.
کلی - جزئی ناخوشایند	۱/۴۴	۱	۱/۴۴	۶/۵۹	۰/۰۵
اثر تعاملی جنسیت و وضعیت ذهنی					
بیرونی - خوشایند	۰/۵۱	۱	۰/۵۱	۴/۴۴	۰/۰۵
پایدار - ناپایدار خوشایند	۴/۱۴	۱	۴/۱۴	۰/۰۰۱	N.S.
کلی - جزئی خوشایند	۴/۲۴	۱	۴/۲۴	۰/۴۶۶	N.S.
بیرونی - ناخوشایند	۶/۷۰	۱	۶/۷۰	۰/۰۳۱	N.S.
پایدار - ناپایدار ناخوشایند	۰/۳۴۱	۱	۰/۳۴۱	۱/۳۹	N.S.
کلی - جزئی ناخوشایند	۰/۱۲۴	۱	۰/۱۲۴	۰/۵۶	N.S.

جدول ۳ - مقایسه نمره‌های دو گروه دختر و پسر در پرسش‌نامه سبک اسنادی به کمک آزمون آماری t

آزمون t برای همگنی میانگین‌ها			
مؤلفه‌ها	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری
بیرونی - درونی (خوشایند)	-۱/۶۱	۱۱۸	N.S.
پایدار- ناپایدار (خوشایند)	-۰/۹۹۵	۱۱۸	N.S.
کلی - جزئی (خوشایند)	-۱/۸۶	۱۱۸	N.S.
بیرونی - درونی (ناخوشایند)	۳/۱۶	۱۱۸	۰/۰۰۱
پایدار- ناپایدار (ناخوشایند)	۱/۱۸۵	۱۱۸	N.S.
کلی - جزئی (ناخوشایند)	۲/۲۳	۱۱۸	۰/۰۵

ناخوشایند، دانش آموزان دختر دارای سبک اسنادی جزئی تری نسبت به دانش آموزان پسر بودند (جدول ۲). مقایسه میانگین گروه‌ها به کمک آزمون t نشان داد که دانش آموزان دختر و پسر در سبک‌های اسنادی درونی - بیرونی ($p < ۰/۰۱$) و کلی - جزئی ($p < ۰/۰۵$) موقعیت‌های ناخوشایند تفاوت معنی داری دارند (جدول ۳). به بیان دیگر دانش آموزان دختر نسبت به دانش آموزان پسر سبک اسنادی بیرونی و جزئی داشته‌اند.

یافته‌ها گویای آن بودند که دو گروه عادی و تیزهوش در مؤلفه نارساکنش‌وری اجتماعی ($t = -۲/۹۲$, $p < ۰/۰۱$) تفاوت معنی داری داشته‌اند. به بیان دیگر دانش آموزان تیزهوش در این مؤلفه دارای نارساکنش‌وری اجتماعی بیشتری نسبت به دانش آموزان عادی هستند. آزمون t در سایر مؤلفه‌های سلامت روانی تفاوت معنی داری در دو گروه نشان نداد (جدول ۴).

در بررسی اثر وضعیت ذهنی بر مؤلفه‌های سلامت روان بین دو گروه عادی و تیزهوش در مؤلفه نارساکنش‌وری اجتماعی تفاوت معنی دار وجود دارد. از این رو دانش آموزان تیزهوش در این مؤلفه نمره بیشتری داشته‌اند. هم‌چنین در بررسی اثر تعاملی وضعیت ذهنی و جنسیت بر مؤلفه‌های سلامت روانی، در مؤلفه علایم روان‌تنی تفاوت معنی داری دیده شد.

مقایسه میانگین گروه‌ها (جدول ۱) نشان داد که دانش آموزان عادی نسبت به دانش آموزان تیزهوش در موقعیت ناخوشایند سبک اسنادی جزئی تری دارند و این تفاوت از نظر آماری معنی دار است ($p < ۰/۰۵$).

در بررسی اثر جنسیت بر سبک‌های اسنادی دو مؤلفه بیرونی و درونی، و کلی و جزئی در موقعیت‌های ناخوشایند تفاوت معنی دار دیده شد ($p < ۰/۰۰۱$). به بیان دیگر در بین دو سبک درونی و بیرونی موقعیت‌های ناخوشایند، دانش آموزان دختر سبک اسنادی بیرونی تری نسبت به دانش آموزان پسر داشتند و بین دو سبک اسنادی کلی و جزئی موقعیت‌های

جدول ۴ - نتایج آزمون اثرات بین موردی مؤلفه‌های سلامت روان در پرسش‌نامه سلامت عمومی در دو گروه تیزهوش ($n = ۶۰$) و عادی ($n = ۶۰$)

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
جنسیت					
علایم روان‌تنی	۳/۲۷	۱	۳/۲۷	۰/۰۰۲	N.S.
اضطراب	۳۶/۵۱	۱	۳۶/۵۱	۱/۷۵	N.S.
نارساکنش‌وری اجتماعی	۰/۶۱۲	۱	۰/۶۱۲	۰/۰۳۵	N.S.
افسردگی	۰/۸۴۲	۱	۰/۸۴۲	۰/۰۳۰	N.S.
وضعیت ذهنی					
علایم روان‌تنی	۳/۲۷	۱	۳/۲۷	۰/۱۸۹	N.S.
اضطراب	۳/۰۲	۱	۳/۰۲	۰/۱۴۵	N.S.
نارساکنش‌وری اجتماعی	۱۳۹/۷	۱	۱۳۹/۷	۷/۹۱	۰/۰۱
افسردگی	۲/۸۲	۱	۲/۸۲	۰/۰۰۱	N.S.
اثر تعاملی جنسیت و وضعیت ذهنی					
علایم روان‌تنی	۱۲۹/۹۷	۱	۱۲۹/۹۷	۷/۵۰	۰/۰۱
اضطراب	۱۵/۲۸	۱	۱۵/۲۸	۰/۷۳۳	N.S.
نارساکنش‌وری اجتماعی	۱۹/۹۴	۱	۱۹/۹۴	۱/۱۳	N.S.
افسردگی	۰/۱۴۱	۱	۰/۱۴۱	۰/۰۰۵	N.S.

بحث

بر پایه بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت که بین اسناد به‌عنوان یکی از موضوع‌های مرتبط با بعد اجتماعی و فرهنگی و موضوع جنسیت ارتباط وجود دارد. بیر^۱ و سیلویا^۲ (۱۹۹۹) رابطه اسنادهای علی و احساسات مربوط به شکست و موفقیت را بررسی نمودند و دریافته‌اند که مردان بیشتر از زنان موفقیت خود را به توانایی اسناد می‌دهند، در حالی که زنان در هنگام موفقیت به توجه، تمرکز و مطالعه تأکید می‌کنند. هم‌چنین آنها دریافته‌اند که زنان بیش از مردان احساسات عاطفی را تجربه می‌کنند. آنها احساس شادی بیشتری بعد از موفقیت دارند، اما احساس پذیرفتن شکست نسبت به مردان در آنها بیشتر است. اسنادهای علی مردان شبیه افرادی است که اعتماد به نفس بالایی دارند و برعکس، در زنان مشابه با افرادی است که اعتماد به نفس پایین دارند. مک‌هاف^۳، فریز^۴ و هنوسا^۵ (۱۹۸۲) نیز دریافته‌اند که تفاوت‌های اسنادی میان دو جنس دختر و پسر دیده نمی‌شود، اگرچه در انگیزه‌های پیشرفت بین دختران و پسران تفاوت‌هایی وجود دارد. در علت‌یابی این یافته می‌توان نقش متغیرهای موقعیتی را در اسنادها مهم دانست. هری^۶ (۱۹۸۹)، به نقل از ویتن^۷، (۱۹۹۷) بیان کرد که تفاوت‌های فرهنگی فردنگری و جمع‌نگری به همان اندازه که بر دیگر جنبه‌های رفتارهای اجتماعی مؤثر است، بر گرایش‌های اسنادی نیز تأثیر داشته است (ویتن، ۱۹۹۷). نوری قاسم‌آبادی (۱۳۷۲) در بررسی دانشجویان پسر نشان داد که افراد ناموفق به دنبال شکست تحصیلی، افسردگی بیشتری تجربه می‌کنند و سبک اسناد درونی، کلی و پایدار در رویدادهای منفی با افسردگی رابطه دارند. شیرازی (۱۳۷۸) در بررسی شیوه‌های مقابله با تنش روانی و ارتباط آن با اسنادهای علی و سلامت روان در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی شهرستان زاهدان، رابطه معنی‌داری بین شیوه‌های مقابله و منبع کنترل دانش‌آموزان تیزهوش گزارش نمود؛ در صورتی که این رابطه در دانش‌آموزان عادی دیده شده بود. هم‌چنین در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی رابطه معنی‌داری بین شیوه‌های مقابله و سبک‌های اسنادی دیده شد. بیشتر دانش‌آموزان متمرکز بر مسأله، سبک‌های اسنادی ناپایدار و اختصاصی و بیشتر دانش‌آموزان متمرکز بر هیجان، سبک‌های اسنادی پایدار و کلی داشتند و در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی رابطه معنی‌داری میان شیوه‌های مقابله و سلامت روان دیده شد. بیشتر دانش‌آموزان متمرکز بر مسأله، از سلامت روانی بیشتری برخوردار بودند و بیشتر دانش‌آموزان متمرکز بر هیجان، مشکوک به اختلال‌های روانی شناخته شدند.

سلیمانی‌نژاد (۱۳۸۱) نیز در بررسی رابطه سبک اسناد با پیشرفت تحصیلی در دختران و پسران سال سوم دبیرستان نشان داد که ابعاد سه‌گانه اسناد بین دختران و پسران در موقعیت شکست و موفقیت تفاوت معنی‌داری ندارند. رابطه میان ابعاد سه‌گانه اسناد و پیشرفت تحصیلی نشان داد که به‌جز بعد درونی و بیرونی در موقعیت شکست، بقیه ابعاد با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی‌داری ندارند.

یافته‌های گروس^۸ (۱۹۹۳) و کاظمی حقیقی (۱۳۷۷) در زمینه سلامت روانی تیزهوشان با یافته‌های بررسی حاضر هم‌سو و با یافته‌های گروس (۲۰۰۱)، هالاهان^۹ و کافمن^{۱۰} (۱۳۷۷)، ترمن^{۱۱} (۱۹۲۱)، به نقل از کالاکر، (۱۳۷۲) و ترخان (۱۳۷۲) ناهم‌سو است. با وجود این که افراد تیزهوش از توانایی تحصیلی بالاتری برخوردارند ولی به نظر می‌رسد که توانایی تحصیلی فرد برای کاهش اضطراب و افسردگی کافی نیست، چون بسیاری از دانش‌آموزان دارای استعداد تحصیلی بالا دچار تشویش روانی و ناسازگاری اجتماعی نیز هستند (کاظمی حقیقی، ۱۳۷۷). از سوی دیگر، افراد تیزهوش از همان سال‌های اولیه دوره دبستان، خود را به‌عنوان فردی متفاوت درک می‌کنند که این ادراک، موجب خود‌انگاره منفی می‌شود (هان^{۱۲} و هاویگرست، ۱۹۶۱؛ به نقل از گروس، ۱۹۹۳).

از سوی دیگر ترمن (۱۹۲۱)، به نقل از کالاکر، (۱۳۷۲) نشان داد که افراد تیزهوش در همه زمینه‌ها مانند هوش، وضع جسمانی، پذیرش اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، ثبات عاطفی و امور اخلاقی سرآمد هستند (هالاهان و کافمن، ۱۳۷۷) و برای ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ارزش‌قایل بوده و به حقوق و نیازهای افراد جامعه اهمیت می‌دهند (ترخان، ۱۳۷۲). هم‌چنین گفته می‌شود که افراد سرآمد در بیشتر مواقع از سوی هم‌سالان خود، افرادی خودنما، پر ادعا و لجوج به‌شمار می‌روند، در برابر انتقاد دیگران آسیب‌پذیرند، اغلب احساس می‌کنند که از سوی دیگران درک نمی‌شوند و از این رو گوشه‌گیر می‌شوند. گاهی هم‌سالان، آنان را دست می‌اندازند و از جانب بزرگسالان جدی گرفته نمی‌شوند (کلارک^{۱۳}، ۱۹۹۳). بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های اسنادی و سلامت روان

1- Bayer	2- Sylvia
3- McHugh	4- Frieze
5- Hanusa	6- Herry
7- Weiten	8- Gross
9- Hallahan	10- Kauffman
11- Terman	12- Hann
13- Clark	

به لحاظ اهمیت آن از نظر بنیادی و کاربردی مورد توجه بسیاری از روانشناسان، مشاوران و متخصصان بهداشت روانی قرار گرفته است.

با توجه به این که در ایران در این زمینه بررسی های اندکی انجام شده است، دستیابی به اطلاعاتی از این دست می تواند راهبردهای مهمی برای مراکز آموزشی، پژوهشی و درمانی به همراه داشته باشد. اگر آموزگار دانش آموزان را تشویق کند که شکست خود را به عواملی ارتباط دهند که می توان آنها را کنترل کرد، در آن صورت ممکن است از پیامدهای زیان آور شکست پیش گیری کند. هم چنین با تأکید بر اهمیت عوامل درونی قابل کنترل به عنوان عوامل اصلی موفقیت، آموزگاران می توانند توان پیش بینی موفقیت دانش آموزان را افزایش دهند. مراکز تربیتی گوناگون می توانند با توجه به رویدادهایی که برای کودکان پیش آمده موارد آسیب پذیر را از همان آغاز شناسایی کنند. مراکز روان درمانگری نیز می توانند با شناسایی و تشخیص موارد آسیب پذیر در پیش گیری از اختلال های روانی نوجوانان بکوشند با توجه به این که کشور ما یکی از کشورهای جوان به شمار می رود و درصد چشم گیری از افراد جامعه را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند، توجه به این گروه سنی دارای اهمیت است. از سوی دیگر، سال ها کارشناسان آموزشی گمان می کردند که کودکان تیزهوش و مستعد، در دسر کمتری برای آنها دارند. از این رو بیشتر نیروی خود را برای آموزش سایر شاگردان کلاس صرف می نمودند (فتحی آشتیانی، ۱۳۷۴). بنابراین آشنابودن مدیران، مربیان، آموزگاران و پدران و مادران با ویژگی های شخصیتی چنین دانش آموزانی که از توانایی های ویژه ای برخوردارند، شکوفانیدن توانمندی ها و استعداد های آنها را در پی خواهد داشت و زمینه را برای ابتلای آنها به اختلال های بدنی و روانی از جمله افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و کناره گیری آماده می کند.

داده های بررسی حاضر تنها به کمک پرسش نامه گردآوری شده و از روش مصاحبه استفاده نشده است. در این پژوهش امکان کنترل سایر متغیرها که به نوعی بر سبک های اسنادی دانش آموزان تأثیر می گذارند (مانند طبقه اقتصادی- اجتماعی و سبک تربیتی والدین) فراهم نبوده است. پیشنهاد می شود در بررسی های آینده جریان تحول اسنادها در گروه های سنی مختلف بررسی گردد و از خرده مقیاس های کلامی آزمون هوشی و کسلر برای ارزیابی هوش، بهره گرفته شود.

سپاسگزاری

با سپاس فراوان از جناب آقایان دکتر باقر غباری بناب و دکتر محمد خدایاری فرد که در زمینه اجرای پژوهش همکاری نمودند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۱۱/۵؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۵/۳/۲۳؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۳/۳۱

منابع

- اسلامی شهر بابکی، حیدر (۱۳۶۹). *بررسی رابطه بین سبک تبیین و افسردگی در بیماران افسرده یک قطبی و دوقطبی و مقایسه آن با افراد بهنجار*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. انستیتو روانپزشکی تهران.
- براهنی، محمدنقی (۱۳۵۶). پژوهش مقدماتی برای هنجاریابی آزمون های ماتریس های پیشرونده ریون در ایران. *مجله روانشناسی*، شماره ۵، ۲۱۷-۲۰۵.
- بهرامی، هادی (۱۳۷۸). *آزمون های روانی: مبانی نظری و فنون کاربردی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ترخان، مرتضی (۱۳۷۲). بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی. *مجله استعداد های درخشان*، سال دوم، شماره ۲، ۱۹-۱۳.
- تقوی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۰). بررسی روایی و اعتبار پرسش نامه سلامت عمومی (GHQ). *مجله روانشناسی*، سال پنجم، شماره ۴، ۸۹-۸۰.
- دادستان، بریرخ (۱۳۷۷). *استرس یا تیندگی، بیماری جدید تمدن*. تهران: رشد.
- سرایی، حسن (۱۳۷۸). *نظریه نمونه گیری*. تهران: سمت.
- سلیمانی نژاد، ناصر (۱۳۸۱). *رابطه سبک اسناد با پیشرفت تحصیلی در دختران و پسران سال سوم دبیرستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- شیرازی، محمود (۱۳۷۸). *بررسی شیوه های مقابله با تنش روانی (استرس) و ارتباط آن با اسناد های علی و سلامت روان در دانش آموزان تیزهوش و عادی شهرستان زاهدان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۷۴). *بررسی تحولی تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی*، پایان نامه دکترای روانشناسی عمومی. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۷۷). خودباوری و سازگاری تیزهوش. *مجله استعداد های درخشان*، سال ۷، شماره ۲، ۱۶-۸.
- کالاگر، جیمز (۱۳۷۲). *آموزش کودکان تیزهوش*. ترجمه: مجید مهدی زاده و احمد رضوانی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- کاویانی، حسین؛ موسوی، اشرف سادات؛ محیط، احمد (۱۳۸۰). *مصاحبه و آزمون های روانی*. تهران: سینا.
- مقیمی آذر، رسول (۱۳۷۷). *هنجاریابی تست ریون در سنین ۱۹-۱۵ ساله شهرستان تبریز*. دانشگاه تبریز.
- نوری قاسم آبادی، ربابه (۱۳۷۲). *بررسی آماری شناختی - استرس از افسردگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.
- هالاها، دانیل، بی. کافمن، جیمز، ام. (۱۳۷۷). *کودکان استثنایی، مقدمه ای بر آموزش های ویژه*. ترجمه: مجتبی جوادیان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- Abela, J., & Zachary, R. (1999). The helplessness theory of depression. A test of the diathesis stress and causal mediation components in third and seventh-grade children. *Dissertation Abstracts International: section B: The sciences and engineering*.
- Abramson, L. Y., Seligman, M. E. P., & Teasdal, J. D. (1978). Learned helplessness in humans: Critique and reformulation. *Journal of Abnormal Psychology, 87*, 49-74
- Bayer, S., & Sylvia, R. (1999). Gender difference in social attributions by college students of performance on course examination. *Current Psychology, 17*, 346-379.
- Bridges, K. R. (2001). Using attributional style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? *Personality and Individual Differences, 31*, 723-773.
- Cheung, P., & Spears, G. (1994). Reliability and validity of the Cambodian version of the 28 item General Health Questionnaire. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology, 29*, 95-99.
- Clark, B. (1993). *Growing up gifted*. Ohio: Merrill Publishing Company.
- Dua, J. K. (1994). Comparative predictive value of attributional style, negative affect and positive in predicting self-reported physical health and psychological health. *Journal of Psychosomatic Research, 38*, 669-680.
- Fincham, F., & Bradury, T. (1993). Marital satisfaction, depression and attributions. A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology, 64*, 442-452.
- Goldberg, D. P. (1972). *The detecting of psychiatric illness by questionnaire*. London: Oxford University Press.
- Gross, M. (1993). *Exceptional gifted children*. London: Routledge Press.
- Gross, M. (2001). Ability grouping self-esteem, and the gifted: A study of optical illusions and optimal environment. *National Research Symposium on Talent Development*. Scottsdale, Az: Great Potention Press, Inc.
- Mt ough, M. C., Frieze, I. H., & Hanusa, B. H. (1982). Attributions and sex differences in achievement: *Problems and Perspectives Sex Roles, 8*, 767-779.
- Miller, R., Brickman, P., & Bolen, D. (1975). Attribution versus persuasion as a means of modifying behavior. *Journal of Personality and Social Psychology, 31*, 430-441.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1984). Causal explanations as risk factor for depression: Theory and evidence. *Psychological Review, 91*, 347-374.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1987). Explanatory style and illness. Personality and physical health. *Journal of Personality, 55*, 237-365.
- Rothman, A., Salvoverg, P., Turvey, C., & Fishkin, S. (1993). Attributions of responsibility and precaution: Increasing mammography utilization, among women. *Health Psychology, 12*, 39-47.
- Schwartz, J. A., Kaslow, N. J., Seeley, J., & Lewinsohn, P. (2000). Psychological, cognitive and interpersonal correlates of attributional change in adolescents. *Journal of Clinical Child Psychology, 29*, 188-198.
- Seligman, M. E. P. (1975). *Helplessness: On depression, development, and death*. Sanfrancisco: W.H. Freeman.
- Terry, D. (1994). Determinants of coping the role of stable and situational factor. *Journal of Personality and Social Psychology, 66*, 895-910.
- Travis, C. B., Phillippi, T. B., & Henrey, T. B. (1991). Gender and causal attribute for mastery, personal and interpersonal events. *Psychology of Women Quarterly, 15*, 233-249.
- Voelz, Z. R., Haeffel, G. J., Joiner, T. E., & Wagner, K. D. (2003). Reducing hopelessness: The interaction of enhancing and depressogenic attributional styles for positive and negative life events among youth psychiatric inpatients. *Research and Therapy, 41*, 1183-1198.
- Weiten, W. (1997). *Psychology, themes and variations*. New York: Wadsworth Publishing.